سینما

«سوءتفاهم» در روزهای پایانی مراحل فنی

فیلم احمدرضا معتمدی با انجام آخرین مراحل فنی، برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده می‌شود. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، جلیل شعبانی تهیه‌کننده سینما، درباره آخرین وضعیت ساخت «سوءتفاهم» گفت: تدوین این اثر به پایان رسیده و این روزها در مراحل پایانی فنی قرار دارد. وی درباره زمان آماده شدن نسخه نهایی این فیلم بیان کرد: به طور قطع سر موعد مقرر به جشنواره فیلم فجر تحویل داده خواهد شد. گفتنی است، در «سوءتفاهم» بازیگرانی چون اکبر عبدی، هانیه توسلی، مهدی فخیم‌زاده، مریلا زارعی، کامبیز دیرباز و پژمان جمشیدی بازی می‌کنند. «سوءتفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی و تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی یکی از تولیدات سازمان هنری - رسانه‌ای اوج در این دوره از جشنواره فیلم فجر است.

تلویزیون

«کافه پلی» روی آنتن شبکه ۲

برنامه «کافه پلی» با رویکرد نقد و بررسی بازی‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای کاربردی تلفن همراه و همچنین مروری بر بازی‌های خاطره‌ساز کامپیوتری از شبکه ۲ سیما پخش می‌شود. به گزارش فارس، «ماجد بازرگان» تهیه‌کننده برنامه «کافه پلی» در ارتباط با زمان پخش و رویکرد این برنامه گفت: برنامه «کافه پلی» با رویکرد نقد و بررسی بازی‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای کاربردی تلفن همراه و همچنین مروری بر بازی‌های خاطره‌ساز کامپیوتری از پنجشنبه ۲۱ دی‌ماه روانه آنتن می‌شود. وی افزود: بخش اصلی این برنامه، معرفی بازی‌های رایانه‌ای به همراه دعوت از فعالان این عرصه خواهد بود. در واقع این بخش از برنامه با هدف حمایت از بازی‌سازهای ایرانی و فعالان صنعت بازی‌های رایانه‌ای تهیه شده است. «نوستالژی» عنوان بخش دیگری از این برنامه است که با یادآوری خاطرات بازی‌های رایانه‌ای دوران کودکی، تقدیم مخاطبان می‌شود. برنامه «کافه پلی» کاری است از گروه کودک و نوجوان شبکه ۲ به تهیه‌کنندگی و کارگردانی ماجد بازرگان و اجرای حامد تهرانی، الهه پرسون و کامران مبشری که پنجشنبه و جمعه ساعت ۱۷:۴۵ از شبکه ۲ سیما روانه آنتن می‌شود و همچنین آرشیو آن از طریق آدرس اینترنتی caffeplay.ir در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت.

رویداد

انتشار فراخوان آفتابگردان‌های هفتم

فراخوان هفتمین دوره آموزشی شعر جوان کشور، «آفتابگردان‌ها» منتشر شد. به گزارش «وطن امروز»، این دوره برای پذیرش اعضای جدید از میان شاعران نوجوان و جوان متولدان ۱۳۶۹ به بعد، دعوت به ثبت‌نام می‌کند و عضو می‌پذیرد. واجدان شرایط باید دست‌کم ۱۰ شعر را به دفتر شعر موسسه فرهنگی - هنری شهرستان ادب ارسال کنند. هیچ محدودیتی از نظر قالب و موضوع وجود ندارد اما در صورت ارسال اشعار در قالب‌های کوتاه مانند رباعی، لازم است تعداد ۲۰ شعر بفرستند. کارشناسان دفتر شعر مؤسسه شهرستان ادب از این میان بخشی از شرکت‌کنندگان در فراخوان را گزینش کرده، از آنان برای شرکت در مرحله دوم به صورت مصاحبه تلفنی دعوت می‌کنند و پرسش‌هایی درباره دانش و سوابق ادبی می‌پرسند؛ شرکت در این دوره‌ها رایگان است. متقاضیان پس از ثبت‌نام تا تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ فرصت دارند آثار خود را بفرستند و این مهلت تمدید نخواهد شد. ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ نتایج مرحله اول اعلام می‌شود و در تاریخ یک تیر ماه ۱۳۹۷ دوره آغاز خواهد شد. برنامه‌هایی همچون نقد تلفنی و حضوری آثار، دوره‌های مطالعاتی تخصصی، نقد مکتوب در کارگاه‌ها توسط استادان سرشناس و اردوهای چندروزه آموزشی از جمله برنامه‌های این دوره آموزشی است. علاقه‌مندان به شرکت در این دوره‌ها می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۷۷۵۱۷۸۳۰ تماس بگیرند.

نگاهی به مجموعه شعر «حال استمراری» سروده محمود اکرامی

عشق سپید استمراری

وارش لنگرودی: محمود اکرامی را بیشتر با اشعار کلاسیک یا سنتی‌اش می‌شناسیم اما دفتر شعر «حال استمراری»، مجموعه‌ای است از شعرهای سپید یا به قول بعضی، شعرهای منثور یا بی‌وزن؛ شعرهایی که شماری از آنها کوتاهند و حال و هوای خود را دارند. اما نکته قابل تامل اینجاست که در سال‌های اخیر تعدادی از شاعران کلاسیک‌سرا یا نیمایی‌سرا (همان شاعرانی که اغلب‌شان بی‌وزنی را در شعر خود برنمی‌تابیدند) به سرودن شعر سپید روی آورده‌اند. حال از کی و چگونه به این باور رسیدند، خود سوالی است مهم و بااهمیت و کنکاش در این باره می‌تواند یکی از تاملات و چالش‌های شعر امروز باشد. البته «محمود اکرامی» و شماری دیگر از شاعران پیش از این با شعر نو بیگانه نبوده و شعرهایی در این زمینه داشته‌اند. نکته دیگر آن است که گروهی از شاعرانی که شعر نو (اعم از نیمایی و سپید) می‌گویند، خاصه آنان که تمایل بیشتری به شعر کلاسیک داشته یا دارند، شعر نیمایی یا سپید را تنها ۲ نوع قالب دیگر می‌دانند که نیما و شاملو بر دیگر قالب‌های شعر کلاسیک افزوده‌اند، در صورتی که بسیاری دیگر، شعر نیمایی و شعر سپید را ۲ شیوه، ۲ بستر و ۲ جریان دانسته و بر این باورند شعر سپید یا نیمایی اصیل و حقیقی دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرم‌پذیری و ساختارمندی هستند. یعنی هر شعر سپید یا نیمایی اگر به واقع شعر باشد، می‌تواند برای خود فرم و ساختاری مستقل داشته باشد، در صورتی که قالب‌های کلاسیک (با همه شاهکارهایی که در این حوزه خلق شده است)، ساختار و فرم‌پذیری محدودی دارند. خلاصه! نمی‌توان به قالب دست زد و آن را کم یا زیاد کرد اما این محدودیت در شعر نو وجود ندارد. نکته بسیار است اما من به نکته سوم، به عنوان نکته آخر اکتفا می‌کنم و بعد مستقیم می‌روم سراغ شعرهای سپید اکرامی در دفتر «حال استمراری»؛ و آن نکته، تقسیم شعر سپید به ۲ شاخه شعر سپید آهنگین و غیرآهنگین است. شاملو می‌گوید:

«میوه بر شاخه شدم/ سنگپاره در کف کودک/ طلسم معجزتی مگر پناه دهد از گزند خویشتنم/ چنین که دست تطاول به خود گشاده منم».

به زعم من، آهنگین بودن این شعر ربطی به عروضی بودن سطر یا سطرهایی از آن یا نزدیک بودن‌شان به عروض ندارد، زیرا تقریبا همه سطرها و جمله‌ها و عنوان‌ها و اسم‌ها در زبان پارسی در یکی از بحور عروضی قابل صرف کردن بوده یا هر کدام در دو سه قسمت دارای این وضعیت هستند. در واقع آهنگین شدن شعر شاملو از چیدمان درست سطرهایی است که هر کدام وزنی جداگانه داشته‌اند؛ وزن کامل عروضی در یک سطر یا نصف و نیمه، بسیار شبیه به کتاب‌ها و متون مقدس. حال باید دید اشعار سپید اکرامی از این جنبه، به شعر آهنگین نزدیک‌تر است که قابلیت و ظرفیت آن را شماری از شاعران از متون کهن ادبی، عرفانی و دینی زبان فارسی گرفته‌اند یا به شعر «احمدرضا احمدی» که کلیت زبانش را از زبان مرسوم و معمول و گفتاری امروز گرفته است. اما شعر اکرامی در دفتر سپید «حال استمراری»؛ از شعرهای آهنگین در این دفتر خبری نیست، اگر هم باشد چندان پررنگ نیست. اگر به استثنایی در این خصوص رسیدم، تشریح می‌کنم. بالطبع نگاه و جهان‌بینی شاعر هرجا رود از خود ردپا می‌گذارد و به کلیت و مفهوم شعر خود، رنگ و بویی از این نوع نگاه و جهان‌بینی می‌زند و محمود اکرامی که دارای نگاه و جهان‌بینی دینی و انقلابی است، بالطبع این ردپا نیز باید از گونه خودش باشد، حتی اگر شعر عاشقانه، فلسفی یا اجتماعی بگوید. او در شعر اول ۲ واژه «رکعت» و «شک» را آورده که هر دو مرتبط با نماز هستند؛ از این رو این امر هاله‌ای از تقدس به یک عمل عاشقانه یا معمولی می‌دهد؛ یعنی به «بوسه». البته ما ظاهر قضیه را گرفته‌ایم، چه بسا شاعر از خود «بوسه» امری مقدس را در نظر داشته باشد:

«تمام بوسه/ دو رکعت است/ و من/ در رکعت دوم/ همیشه به شک می‌افتم».

بی‌شک در سراسر این دفتر با مواردی از این دست بسیار روبه‌رو خواهیم شد. خوب است و لازم و حتی واجب است که شاعر امروز از واژه‌هایی در شعر خود بهره ببرد که امروز با آن سر و کار دارد تا شعرش کاربرد داشته باشد و تنها مثل یک غزل زیبا نباشد که همچون شیئی قدیمی برای تزیین روی تاقچه می‌گذاریم؛ واژه‌هایی مثل تاکسی، اتوبوس، تلفن، ترافیک، شهرداری و... اما شرطش آن است که این واژه‌ها درونی شاعر شوند؛ یعنی شاعر با آنها عمیقا زندگی کرده باشد یا به تعبیر دیگر، آنقدر باید آن واژه شخصی شود تا در جان عموم نیز به واسطه همین شخصی شدن عمیق، عمومی شود. حال ببینیم واژه «روزنامه» که بسیار هم در شعرهای اکرامی از آن استفاده شده، در شعر ذیل تا چه حد درونی شده و موثر عمل کرده:

«روزنامه‌ها/ به چشم‌های تماشای تو/ به حرف‌های سر به زیر من/ تجاوز کرده‌اند/ ملخ که بیاید/ باغ پادشاه هم در امان نمی‌ماند».

به نظر من، بخش اول این شعر کوتاه فقط یک حرف جالب و خوب است، نه شعر. نقش بخش دوم شعر هم دقیقا شبیه نقش ضرب‌المثل‌هایی است که مردمان نکته‌سنج در تکمیل و تایید حرف خود بیان می‌کرده و می‌کنند. باز این همه حسن، راه به شعر نمی‌برد و این یعنی هر حرف جالب و خوب، الزاماً شعر نمی‌شود. شعر سوم این دفتر نیز در حد یک نکته و سخن و حرف خوب باقی می‌ماند، مثل شعر ۱۵، ۱۷، ۱۸ و شماری از دیگر شعرهای آن؛ اینکه اگر «چشم یار که سارق سابقه‌دار است، بخوابد تا امنیت جهان برقرار شود»، بیشتر به یک شوخی غلوآمیز شبیه است تا یک شعر. در واقع اینگونه تعابیر غلوآمیز متعلق به شاعران متوسط قدیم ما است و ذهن‌های عادت‌یافته به اینگونه تعابیر، اندک لذتی نیز از آن می‌برند. یعنی در عصری که شاعران کلاسیک‌سرای امروز از تعابیر، بکر و تازه و امروزی بهره می‌برند، در شعر نو چنین تعابیری جز معنای برگشت نمی‌دهد که نه جسمش نیمایی است و نه جانش:

«چشم‌های تو/ که خواب باشد/ یک پاسبان برای جهان کافی‌ست/ تو / چشمانت/ این سارقان سابقه‌دار را/ بخوابان/ امنیت تمام جهان/ با من».

در کنار این شعرها، در دفتر شعر اخیر و شعرهای سپید اکرامی جای شعرهایی که صورت و تعابیر بکرش با مفهوم اصیل و حقیقی‌اش گره خورده باشد نیز کم نیست، مانند شعر ۶ شاعر که آگاهانه هوشیاری‌اش را هشدار می‌دهد:

«از چشم‌های من/ پرنده‌زاری کوچ کرده است/ چرا عزای عمومی اعلام نمی‌شود/ حالا/ که باران/ به زمین/نمی‌رسد؟»

زیرا نباریدن باران عزایی عمومی‌تر و عمیق‌تر دارد و ما نمی‌دانیم. آری! مرگ تدریجی زمین را با مردن قطعه‌های کوچکش دست‌کم گرفته‌ایم. تعبیر «عزای عمومی» در این شعر به ظاهر ساده، دارای بار معنایی و زیبایی شناختی است. شعر ۱۰ نیز ساده است با مفهومی تکراری اما جاودانه در شعر پارسی. مولانا می‌گوید: «به‌جای اینکه خاکم را بوسه زنی، رخم را بوسه زن که اینک همانم یا همان است» و اکرامی همان مفهوم را ـ حتی به صورت مستقیم ـ با تعبیری ساده اما امروزی و صمیمی و تاثیرگذار بیان می‌کند؛ تعبیری که بوسه را تا زندگی، تا ماندگاری و جاودانگی و تا آب حیات بالا برده است. می‌گوید:

«لب‌هایم/ دیوانه می‌شوند/ وقتی نام تو را می‌برم/ مرا ببوس/ تا لب‌هایم نمرده‌اند/ تا تمام نشده‌ام».

جان دادن به اشیا و حتی کلمات همان عمل «تشخیص» است که در شعر امروز کاربردش از بسامد بالایی برخوردار است. علت این امر مدرن بودن ذات این عملکرد است اما ۲ سطر آخر شعر ذیل را اکرامی در یک شعر دیگر نیز به‌کار برده که این امر صورت خوبی نزد مخاطبان حرفه‌ای ندارد؛ تصور می‌شود شاعر کم آورده و ته کشیده:

«خسته‌ام/ مثل کلمات خودم/ مثل پیراهن رنگ و رو رفته‌ی تو/ مثل.../ بگذریم!/ باور کن/ وقتی با دندان‌های سیاه حرف می‌زنیم/ هیچ کلمه‌ای سپید نمی‌ماند». تعابیر بکر و زیبا نیز در این دفتر کم نیست؛ تعابیری که اغلب در یک جمله اتفاق می‌افتد و به شکل صفت موصوف نیست؛ تعابیری که گاه با اطناب و نداشتن وسواس کافی در یک شعر هدر می‌رود؛ تعابیری نظیر: «دارم گنجشک مرده متولد می‌شوم»، «کرم‌ها زندگی شیرین‌تری دارند»، «باران با چشم‌های من می‌آید/ به پیراهن گلدار تو» و... در صورتی که نیروی یکی از این سطرهای درخشان کافی است تا شاعری را به سمت افق‌های بلند شعر پرتاب کند!

خلاصه کلام اینکه اکرامی شاعری است که نباید او را دست‌کم گرفت، مگر اینکه خود او مقام شاعری خود را دست‌کم بگیرد. اکرامی شاعری است که برای عبور از شعرهای متوسط خود، نیاز به یک انقلاب درونی دارد؛ انقلابی که اگر از درون او سر برآورد، مجال شام و ناهار خوردن را نیز ممکن است از او بگیرد و یکسره زندگی‌اش را صرف جوشش کند، نه کوششی که اینک بسیاری از شعرهای امروزش را از به فراز رفتن و اوج گرفتن بازمی‌دارد. به زبان دیگر، شعرهای درخشان اکرامی کم‌شمارند و لابه‌لای اشعار دیگرش اغلب به چشم نمی‌آیند؛ شعرهای درخشانی که گویای شعرها و ذهن بلندبالای شاعری به نام محمود اکرامی است و او را به داشتن زبانی کاملاً مستقل نزدیک می‌کند؛ زبانی که در مفهوم شعرهای ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ و ۳۴ خود را به وضوح نشان می‌دهند و در این سطرها صورت می‌پذیرند:

«این روزها/ مثل باد/ بی‌وطنی را دوست دارم...».

«... تنها صدای تو شیرین است/ صدای پای تو/ که نگاهت تابستانی طولانی...». «در پس هر کوه/ خورشیدی/ در دل هر سنگ/ چشمه‌ای/ و در نگاه هر دختر/ شاعری زندانی است...». «جاده‌های سرگردان/ در دامنه بلندترین کوه/ به ملاقات هم می‌روند...». «خورشید/ شاخه/ شاخه/ از درخت پایین می‌آید...» و...

در شعرهای درخشانی نظیر:

«بی‌تو/ مترسکی شده‌ام/ در مزرعه‌ای که نیست/ با آستین تهی از دستم/ بادها را تکان می‌دهم/ فصل‌ها را ورق می‌زنم/ حالا شلیک کن شاعر/ با واژه‌های مشقی شبانه‌ات».

گزارش

گزارش «وطن‌امروز» از شب شعر سبز و سپید و سرخ

دوباره ایران

شاعران ایرانی همواره پیشقراولان هنر برای حضور در رویدادهای اجتماعی و سیاسی هستند. آنهایی که کلمات، فانوس راهشان است و با نظم دادن نشان، قدم در مسیر روشنگری می‌گذارند. آنهایی که دور از روزمرگی در لحظه لحظه بحران و کامیابی‌ها شعر می‌سرایند و بی‌هراس از اینکه این طفل نوپای‌شان تاریخ انقضایی داشته باشد، آن را در تاریخ شرافتمندی و تعهد جاودانه می‌کنند. شاعران شهرستان ادب این بار به حرمت سبزی و سپیدی و سرخی سرزمین و دل و جان میهن‌شان دور هم جمع شدند و در حیرت سوخته شدن پرچم در دل میهن شاعرانه سرودند. در این مراسم که در موسسه شهرستان ادب برگزار شد، شاعرانی چون مرتضی امیری‌اسفندقه، ناصر فیض، علیرضا قزوه، مصطفی محدثی‌خراسانی، محمود اکرامی‌فر، علی‌محمد مودب، ایرج قنبری، امید مهدی‌نژاد، محمدمهدی سیار، میلاد عرفان‌پور، مهدی جهاندار، محمدرضا طهماسبی، سعید یوسف‌نیا، ساجده جبارپور، افسانه غیاثوند، پونه نیکویی، زهرا سپهکار، محدثه خاکزاد، علی داوودی، محمدرضا وحیدزاده، محمدحسین نعمتی و... به شعرخوانی پرداختند. مرتضی امیری‌اسفندقه در این مراسم با اشاره به اینکه هیچگاه نمی‌توان به تاریخ شعر ایران انگ لائیک بودن زد، اظهار داشت: از فردوسی تا ناصرخسرو و... همه شاعران انقلابی مسلمان بودند. شعر انقلاب را نمی‌توان براحتی نادیده گرفت و سابقه شعر انقلابی، اسلامی و ایرانی به تاریخ ادبیات بازمی‌گردد. ما ایرانی‌ها در عشق عفیفیم و در احساسات لطیف.

شعر محمد مهدی‌سیار که در این مراسم خوانده شد از این قرار است:

هنوز ماتم زن‌های خون جگر شده را
هنوز داغ پدرهای بی‌پسر شده را
کسی نبرده ز خاطر کسی نخواهد برد
ز یاد، خاطره باغ شعله ور شده را
کسی نبرده ز خاطر، نه صبح رفتن را
نه عصرهای به دلواپسی به سر شده را
نه آه مانده بر آیینه‌های کهنه شهر
نه داغ‌های هر آیینه تازه‌تر شده را
جنازه‌ها که می‌آمد هنوز یادم هست
جنازه‌های جوان، کوچه‌های‌تر شده را...
نه، این درخت پر از زخم، خم نخواهد شد
خبر برید دو سه شاخه تبر شده را!

همچنین شعر علی داوودی که آن را بی‌ارتباط با مقام معظم رهبری نیز ندانست، بدین شرح است:

ما هوای عاشقی داریم دم اینجا، علم اینجاست
مَحرم این غم تو هستی با تو هستیم آن حرم اینجاست
کعبه و بتخانه را هر چند از ما بهتران دارند
هم صفای روشن قبله نمای آن صنم اینجاست
آن زلال جاودان در جام اسکندر نشد پیدا
چشمه خضری اگر هم هست از آن چشم نم اینجاست
ما همان پروانه‌های سوختن با شعله همزادیم
از چه غم داریم می‌سوزیم و می‌سازیم غم اینجاست
ایستادن زیر باران تبر رسم درختان است
بشکنندم شاخه شاخه می‌نویسم آن قلم اینجاست
خاک یزد و فرش کرمان شور قم شیرینی تبریز
من بهشت کوچکی دارم بیا باغ ارم اینجاست
این قفس شاید سزای بال دلتنگم نباشد لیک
آن هوا آن آسمان‌هایی که آسان می‌پرم اینجاست
زندگی جاری است در این خنده‌ها و گریه‌ها ای شعر
طعنه‌های حافظ اینجا نوحه‌های محتشم اینجاست
باری از هستی و مستی راستی ما بیش و کم داریم
دست در دست تو می‌مانیم با تو عشق هم اینجاست

ادبیات

محمد حنیف:

بسیاری از داستان‌های دفاع‌مقدس هویت بومی ندارند

سرداور بخش داستان هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع‌مقدس با بیان اینکه یکجانبه‌نگری چالش داستان دفاع‌مقدس است، گفت: هنوز در بحث کیفیت داستان و رمان دفاع‌مقدس با مشکل روبه‌رو هستیم. به گزارش «وطن‌امروز»، محمد حنیف، سرداور بخش داستان هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع‌مقدس بتازگی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در ارتباط با وضعیت آثار داستانی حوزه دفاع‌مقدس گفت: امسال چندبرابر کتاب‌های داستان در بخش خاطره آثار داشتیم. در حالی که واقعا تأثیرات داستان وسیع‌تر، عمیق‌تر و ماندگارتر از گونه‌های دیگر ادبی است. داستان عموماً با توجه به بکارگیری عناصر داستانی، استفاده از قصه‌های مختلف و مجموعه تکنیک‌ها و سبک‌ها می‌تواند مخاطب را همراه کند لذا داستان تأثیر و ارزش بیشتری دارد. هنوز هم از میان تعداد کتاب‌های کم‌شمار در موضوع دفاع‌مقدس در ریزش‌های اولیه داوران، تعداد زیادی از آثار کنار گذاشته می‌شود. یعنی ما مشکل تعداد نداریم بلکه مشکل‌مان محتوا و کیفیت است. حنیف با اشاره به نبود هویت بومی در بسیاری از آثار دفاع‌مقدسی اظهار کرد: بسیاری از داستان‌های دفاع‌مقدس هویت بومی ندارد. کافی است در برخی داستان‌ها اسامی شهرها و مناطق جنگی را عوض کنیم با این کار داستان‌ها با داستان‌های جنگی غیرایرانی اشتباه گرفته می‌شود. آن عناصری که تشخیص‌دهنده داستان دفاع‌مقدس است در داستان‌های امروز کم است. ما نوآوری در داستان دفاع‌مقدس کم داریم. بسیاری از داستان‌های ما رئالیستی و واقعه‌گرایانه است یا از نظر سبک، کلاسیک و مدرن نوشته می‌شود در حالی که زبان فرم داستانی که نسل امروز می‌پسندد داستانی نیست که ۳۰ سال پیش مورد استقبال قرار می‌گرفت یا تأثیرگذار بود، لذا باید از فرم‌های جدید نیز در داستان استفاده شود.

مستند

ادامه استقبال مخاطبان از مستند «قائم‌مقام»

استقبال مخاطبان از مستند «قائم‌مقام»، روایتی از زندگی آیت‌الله منتظری از پیش از انقلاب تا فوت ایشان، همچنان ادامه دارد. به گزارش فارس، مستند «قائم‌مقام» که به تهیه‌کنندگی مهدی صفارهرندی و کارگردانی سیدعلی صدری‌نیا تولید شده، روایتی بدون سانسور از مبارزات پیش از انقلاب تا فوت آیت‌الله منتظری را شامل می‌شود و برای نخستین‌بار به‌طور تفصیلی به فراز و فرود وی در نظام سیاسی ایران پرداخته است. دوران قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری و سال‌های پس از عزل او، از مقاطعی است که به دلیل حساسیت‌های سیاسی فراوان کمتر به آن پرداخته شده است. عوامل تولید مستند می‌گویند بسیاری از شخصیت‌های سیاسی یا درباره این مساله حاضر به گفت‌وگو نیستند یا به سختی حاضر به مصاحبه می‌شوند. از مصاحبه‌های آرشیوی و خاطرات مکتوب بسیاری دیگر از چهره‌های سیاسی هم در این مستند استفاده شده است. در کمتر از ۲۰ روز بیش از ۱۰ هزار نسخه از این مستند به صورت اینترنتی از سایت .https://cinemamarket ir خریداری شده است. همچنین این مستند در بیش ۳۳۰ نوبت در سطح کشور از طریق شبکه https://ekranet.ir به طور عمومی به نمایش درآمده که در آن بیش از ۵۰ هزار نفر به تماشای این مستند نشستند. آیت‌الله ری‌شهری، عمادالدین باقی، حجت‌الاسلام اژه‌ای، احمد منتظری، آیت‌الله رازینی، عزت‌الله مطهری و آیت‌الله گرامی از چهره‌هایی هستند که برای نخستین‌بار مقابل دوربین «قائم‌مقام» قرار گرفته‌اند و درباره مرحوم منتظری سخن گفته‌اند.

کتاب

رونمایی از خاطرات خلبان شهید مدافع حرم

کتاب «چَمروش» خاطرات خلبان شهید مدافع حرم کمال شیرخانی رونمایی می‌شود. مراسم رونمایی کتاب «چَمروش» روایت زندگی خلبان شهید مدافع حرم کمال شیرخانی به قلم شهلا پناهی لادانی شنبه بیست و سوم دی ماه در فرهنگسرای اشراق برگزار می‌شود. کتاب چمروش مجموعه خاطرات خانواده، دوستان و همرزمان شهید کمال شیرخانی است که به همت انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. خلبان شهید کمال شیرخانی از شهیدان مدافع حرم است که برای دفاع از حریم آل‌الله عازم سوریه شده بود و ۱۴ تیرماه ۱۳۹۳ در نبرد با تروریست‌های تکفیری داعش به شهادت رسید. گفتنی است این مراسم روز شنبه ۲۳ دی ماه در سالن باران، فرهنگسرای اشراق واقع در فلکه دوم تهرانپارس، انتهای خیابان جشنواره، خیابان شهید جعفرپناه برگزار می‌شود.

سینمای جهان

اعلام نامزدهای جایزه «بفتا» ۲۰۱۸

BAFTA

نامزدهای جوایز بفتا اعلام شد و فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی با دیگر آثار بخش فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان رقابت می‌کند. به گزارش «وطن امروز»، در این دوره از جایزه سینما بفتا، ۵ فیلم «دانکرک»، «مرا به نام خودت بخوان»، «شکل آب»، «سه بیلبورد بیرون از ابینگ، میسوری» و «تاریک‌ترین ساعت» نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم شده‌اند. همچنین بنا بر این گزارش، در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان «فروشنده» اصغر فرهادی در این بخش با فیلم‌های «او» به کارگردانی پل ورهوفن از فرانسه، «اول پدرم را کشتند» به کارگردانی آنجلینا جولی از کامبوج، فیلم کره‌ای «کنیز» به کارگردانی پارک چان‌ووک و «بدون عشق» به کارگردانی آندری زویاگینتسف از روسیه رقابت می‌کند. «فروشنده» سال گذشته برنده اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان شد و امسال در بریتانیا روی پرده رفت. بفتا مانند اسکار تمام فیلم‌های انگلیسی‌زبان و نه صرفا فیلم‌های بریتانیایی را برای جوایز سالانه خود در نظر می‌گیرد. برندگان هفتادویکمین دوره جوایز بفتا ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) در مراسمی در رویال آلبرت هال در لندن معرفی می‌شوند. بی‌بی‌سی وان حق پخش تلویزیونی مراسم را در اختیار دارد.